

*Critical Studies in Texts and Programs of Human Sciences,*  
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)  
Monthly Journal, Vol. 22, No. 4, Summer 2022, 255-276  
Doi: 10.30465/CRTLS.2022.38739.2403

## **A Critique on the Book** ***United States of Socialism***

**Amir Abbasi Khoshkar\***

### **Abstract**

The book “*United States of Socialism*” by Dinesh D'Souza is written in six chapters focusing on the critique of socialist thinking at the economic and social levels in American society using a neoconservative approach. The author of the book is one of the pro-Trump journalistic elites who sees socialists like Bernie Sanders as the cause of the formation of a maximum government and an obstacle to economic freedom. According to the author of the book, the identity-oriented socialism of Sanders supporters widens the social divide in American society. The most important contextual critiques of the present book can be found in the lack of attention to the inherent crisis of the American capitalist system that has widened the economic and social gaps in American society, as well as superficiality in the critiques of the arguments of American socialists. Reproduction of the status quo leads to summary. D'Souza interprets the social and economic demands of American society in terms of his politicized approach, which is based on superficial analogy. He believes the Democrats' covert administration seeks to negatively influence the political power of Trump and Republicans by directing the identity and economic aspirations of certain sections of society.

**Keywords:** Neoconservatism, American Socialism, Market Mechanism, Progress, Class Gaps, Social Discrimination.

\* PhD in International Relations, University of Tehran, Tehran, Iran, khoshkar1392@yahoo.com

Date received: 01-02-2022, Date of acceptance: 23-05-2022





## نقد و ارزیابی کتاب آمریکا تحت لوای سوسیالیسم

امیر عباسی خوشکار\*

### چکیده

کتاب آمریکا تحت لوای سوسیالیسم، نوشته دینیش دسوزا، در قالب شش فصل با محوریت نقد تفکر سوسیالیسم در سطوح اقتصادی و اجتماعی در جامعه آمریکا با استفاده از رویکرد نومحافظه‌کاری به‌رشته تحریر درآمده است. نویسنده کتاب از جمله نخبگان ژورنالیست طرفدار ترامپ است و سیاست‌مدارانی مانند برنی سندرز را سبب‌ساز شکل‌گیری دولت حداکثری و مانعی بر سر راه آزادی‌های اقتصادی برمی‌شمارد. به‌باور نویسنده کتاب، سوسیالیسم هویت‌گرای طرفداران سندرز سبب افزایش شکاف‌های اجتماعی در جامعه آمریکا می‌شود. مهم‌ترین نقدهای محتوایی به کتاب حاضر را می‌توان در بی‌توجهی به بحران‌های ذاتی نظام سرمایه‌داری آمریکا، که سبب افزایش شکاف‌های اقتصادی و اجتماعی در جامعه آمریکا شده است، و هم‌چنین سطحی‌نگری در نقد استدلال‌های طرفداران سوسیالیسم آمریکایی، که در نهایت به تأیید و بازتولید وضع موجود منجر می‌شود، خلاصه کرد. دسوزا مطالبات اجتماعی و اقتصادی جامعه آمریکا را براساس رویکرد سیاست‌زده خود، که مبتنی بر قیاس سطحی است، تفسیر می‌کند. به‌باور وی، دولت پنهان دموکرات‌ها، با جهت‌دهی به خواسته‌های هویتی و اقتصادی برخی طبقات جامعه، به‌دنبال تأثیرگذاری منفی در قدرت سیاسی ترامپ و جمهوری خواهان است.

**کلیدواژه‌ها:** نومحافظه‌کاری، سوسیالیسم آمریکایی، سازوکار بازار، ترقی خواهی، شکاف‌های طبقاتی، تبعیض اجتماعی.

\* دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تهران، تهران، ایران، khoshkar1392@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۲



## ۱. مقدمه

نقد و ارزیابی کتاب‌های محققان و پژوهش‌گران دانشگاهی، مطبوعاتی، و نخبگان حاکمیتی غربی، ضمن ارائه فرصتی برای آشنایی با دیدگاه‌ها و رویکردها، به طرح چشم‌اندازی خردمندانه از بافت فکری و ذهنیت سیاسی جامعه علمی و نخبگان اجرایی غربی کمک می‌کند. نقد کتاب کارویژه‌های مختلف فکری دارد. نقد متون پژوهشی با طرح نکات و ویژگی‌های مثبت آثار به معرفی و ترغیب خواننده به مطالعه کتاب می‌پردازد و در ادامه، با استفاده از چاقوی نقد، به کالبد شکافی و تشریح ابعاد دیگر بافت متن اقدام می‌کند. مطالعه و فهم مطالب ترجمه‌شده از فرهنگ دانش‌پژوهی غرب، فارغ از نقد و ارزیابی، به فهم و جذب ناقص و شیفته‌وار متون ترجمه‌ای می‌انجامد و خوانندگان را در سطح تفکر ابتر ترجمه‌ای باقی می‌گذارد.

فاهمه فکری نخبگان و پژوهش‌گران علوم سیاسی با تقویت قوه نقادانه فکری و انباشت تجربه‌های نظری از شادابی و قدرت فهمندگی بالاتری برخوردار خواهد شد. در چهارچوب رسالت روشن‌گری و دانش‌افزایی، که یکی از مهم‌ترین کارکردهای جامعه دانش‌آموخته علوم سیاسی کشور است، نقد کتاب *آمریکا تحت لوای سوسیالیسم*، نوشته دینیس دسوزا، هدف از نگارش مقاله پیش‌رو است. نگارنده نوشتار حاضر، با مطالعه و آشنایی با کتاب مذکور و رویکرد نویسنده آن، به دنبال معرفی و ارزیابی نقادانه این کتاب است تا با طرح محتوای محوری کتاب و نقد و ارزیابی آن، ضمن تشویق دانش‌پژوهان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل به مطالعه این اثر، به طرح دیدگاه نقادانه در قبال رویکرد نویسنده، که رویکرد غالب در جامعه نخبگی آمریکا به‌شمار می‌آید، اهتمام بورزد.

جریان تفکرات سوسیالیستی با محوریت دیدگاه‌های برابری‌طلبانه و عدالت‌خواهانه ریشه در خواست بخش‌های گسترده‌ای از طبقات پایین‌دست و حاشیه‌ای در آمریکا دارد که در دوره‌های مبارزات انتخاباتی دست‌آویز نمایش‌های سیاسی دموکرات‌ها به‌منظور جمع‌آوری آرای رنگین‌پوستان و اقلیت‌های نژادی در کنار طبقات آسیب‌پذیر شده است (Democratic Party Platform 2020). در نقطه مقابل تفکرات سوسیالیستی، نخبگان بازار آزاد قرار دارند که با طرح مفاهیمی مانند آزادی‌های فردی، مالکیت شخصی، و مقابله با تمامیت‌خواهی به‌نفع نظام سرمایه‌داری موجود با رویکرد ناسیونالیستی حول حزب جمهوری‌خواه جمع شده‌اند (Republican Party Platform 2020). بحث و گفت‌وگو بین این دو طیف فکری در جامعه سیاسی آمریکا ادامه دارد و هریک از پژوهش‌گران و

روزنامه‌نگاران حامی هر طیف سیاسی به‌نفع ایدئولوژی هم‌مسلمان خود و تخریب رقیب سیاسی به قلم‌فرسایی و سخن‌سرایی می‌پردازند.

دینیش دسوزا (Dinesh D'Souza) در کتاب *آمریکا تحت لوای سوسیالیسم* با طرف‌داری از طیف سیاسی جمهوری‌خواه و در تقابل با رویکردهای سوسیالیستی به معرفی آرای دموکرات‌های به‌باور خود «سوسیالیست»، مانند سندرز، و نقد آن‌ها پرداخته است. وی از طرف‌داران ترامپ و شعارهای رادیکال وی محسوب می‌شود. مطالعه و نقد کتاب حاضر سبب آشنایی مخاطبان با تفکرات اقتصادی و سیاسی-اجتماعی سوسیالیستی و بازاری در جامعه آمریکا می‌شود و دریچه‌ای تازه به‌روى پژوهش‌گران فارسی‌زبان برای شناخت بیش‌تر از جامعه آمریکا و معضلات داخلی آن می‌گشاید. امید است نقد تفکرات دسوزا در اثر حاضر به غنی‌تر ساختن نگاه مخاطبان کتاب بیفزاید و سؤالات و پرسش‌های عالمانه علاقه‌مندان به حوزه آمریکا‌پژوهی را به‌منظور تعمق بیش‌تر برانگیزد.

## ۲. معرفی نویسنده و خلاصه کتاب

دینیش دسوزا، پژوهش‌گر محافظه‌کار هندی‌تبار و ساکن آمریکا، نویسنده کتاب *آمریکا تحت لوای سوسیالیسم* (*United States of Socialism*)، منتشرشده در سال ۲۰۲۰، است. دسوزا در زمینه فیلم‌سازی و انتقاد از حزب دموکرات با ساخت مستند *آمریکای هیلاری*؛ تاریخ پنهان حزب دموکرات در سال ۲۰۱۶ به‌نفع جمهوری‌خواهان فعالیت‌های فکری و رسانه‌ای خود را استمرار بخشید (Andrade 2020: 70). دسوزا با چندین سازمان محافظه‌کار، از جمله انستیتو ایترپرایز که در زمینه سیاست‌گذاری‌های کلان آمریکا فعالیت می‌کند و بنیاد هریتیج و انستیتو هوور که مرکز فکری و کتاب‌خانه‌ای در زمینه مسائل جنگ، انقلاب، و صلح است، در ارتباط است (Weston 2005: 100). دسوزا در دوره‌ای مشاور سیاسی رونالد ریگان و در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ رئیس دانشکده کینگ در نیویورک‌سیتی بود. وی از نویسندگان پرتألیفی است که در زمینه مسائل حکم‌رانی داخلی آمریکا، تاریخ رؤسای جمهور، و نقد حزب دموکرات آثار متعددی را به‌چاپ رسانده است.

### ۱,۲ خلاصه کتاب

کتاب *آمریکا تحت لوای سوسیالیسم* در شش فصل در نشر پبله در سال ۱۳۹۹ به‌چاپ رسیده است. در فصل اول، با عنوان «اختراع نوآوری»، اصول محوری تفکر نویسنده مانند

نقد سوسیالیسم و حمایت از نظام بازار مطرح شده است. نویسنده کتاب در فصل اول، با طرح مفهوم مالکیت، سوسیالیسم را به دلیل برهم‌زدن نظم حقوقی و اقتصادی تصاحب اموال به نفع هرج و مرج و حکم‌رانی دولت مورد سرزنش قرار می‌دهد (دسوزا ۱۳۹۹: ۵۶). دسوزا نقض مالکیت را یکی از آثار منفی سوسیالیسم می‌داند که با آرمان‌های پدران تأسیس آمریکا در تقابل قرار دارد.

برای سوسیالیسم معنای دموکراسی همین است. حق اجتماعی برای تصاحب کردن، اما مؤسسان آمریکا مخالفان آن بودند و معتقد نبودند که آرزوی مردم می‌تواند مستقیماً به جامعه حکومت کند. حتی اگر این‌طور بود، این قضیه را نپذیرفتند که مردم حق دارند در یک اکثریت جمع شده و اموال و دارایی شهروندان دیگر را، که تنها جرم آن‌ها اقلیت بودن است، تصاحب کنند (همان: ۸۴).

در فصل دوم، با عنوان «رؤیا و خیال‌بافی»، نویسنده کتاب به تأثیرگذاری نیروهای مولد اقتصادی در فرهنگ مردم آمریکا پرداخته است. دسوزا با طرح تلاش‌های فورد برای تولید انبوه خودرو در بازارهای مصرف شهری به تلاش‌های وی در جهت افزایش برابری اجتماعی و عدالت شهری اشاره کرده است. نویسنده کتاب کارآفرینی‌های فورد را مهم‌تر از سخن‌رانی‌های ویلسون در جهت تقویت پویایی‌های اجتماعی می‌داند (همان: ۱۳۲). وی در فصل سوم به نقد سیاست هویت پرداخته که یکی از راه‌بردهای سوسیالیست‌های دموکرات در سیاست داخلی است. دسوزا طرح سیاست هویت را به دلیل نگاه گزینشی و تشدید حصاربندی‌های طبقاتی سبب افزایش شکاف‌های داخلی در جامعه آمریکا می‌داند و از آن به سیاستی فرصت‌طلبانه به منظور کسب رأی حاشیه‌نشین‌ها در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری نام می‌برد. نویسنده کتاب در ابتدای این فصل می‌نویسد: «سوسیالیسم امروز در آمریکا مقابلهٔ سیاه علیه سفید، زن در برابر مرد، و... است» (همان: ۱۵۵).

در فصل چهارم، با عنوان «ونزوئلا بله، سوئیس نه»، نویسنده کتاب به الگوهای سوسیالیستی طرف‌داران سوسیالیسم و ترقی‌خواهی انتقادات بسیاری را مطرح می‌کند. دسوزا الگوی سوسیالیستی ونزوئلا را تا قبل از فروپاشی اقتصاد این کشور مطلوب ترقی‌خواهانی مانند سندرز می‌داند. هم‌چنین، سوسیالیسم اسکاندیناوی را، که برخی دموکرات‌ها مناسب اقتصاد و جامعه آمریکا می‌دانند، به دلیل وجود تنوعات ذاتی ساختار اقتصادی و اجتماعی جامعه آمریکا، ناکارآمد می‌داند.

سوسیالیسم اسکاندیناویایی سوسیالیسم یک‌پارچه‌سازی بوده و با سوسیالیسم دسته‌بندی موردنظر جناح چپ آمریکا بسیار متفاوت است. سوسیالیسم یک‌پارچه‌سازی سوسیالیسم قبیله‌ای و خصوصیات متمایز آن اتحاد و انسجام قبیله‌ای است (همان: ۲۲۴).

فصل پنجم کتاب با تعریف و تمجید از نقش ثروت‌مندان در تولید رفاه و ثروت در جامعه به کارکرد اشتغال‌زایی و بذل و بخشش‌های میلیاردی آمریکایی، مانند بیل گیتس، اختصاص پیدا کرده است. در صفحه ۲۹۵، دسوزا می‌نویسد: «سرمایه‌داری مثل دموکراسی ریشه در آرزو و رضایت همگان دارد، پس شکلی از عدالت اجتماعی است». مهم‌ترین دفاع دسوزا از سازوکار بازار و سرمایه‌داری آمریکایی را در ویژگی تولیدکنندگی کارآفرینان می‌توان مشاهده کرد. به‌باور دسوزا، «کارآفرینان با تلاش فراوان بیش‌ترین رفاه اجتماعی را تأمین می‌کنند تا این‌که سود آن را به دولت فدرال بدهند» (همان: ۳۳۳).

فصل ششم در دفاع از فعالیت‌های سیاسی نویسنده کتاب به‌منظور حمایت از حزب جمهوری‌خواه و ترامپ نوشته شده است. در این فصل، دسوزا دموکرات‌ها را به براندازی ترامپ و تشکیل دولت پنهان متهم کرده است. به‌نظر نویسنده کتاب، نهادهای آموزشی و رسانه‌ای به‌همراه جامعه قضایی بخشی از قدرت این دولت پنهان را تشکیل داده‌اند. دسوزا، با رد اتهامات سیاسی و جنسی واردشده به ترامپ، وی را فردی شجاع و با احساس مسئولیت‌پذیری بالا می‌داند. جمع‌بندی دسوزا از جهت‌گیری سوسیالیستی برخی از دموکرات‌ها توصیف آن‌ها در قالب فعالان سیاسی شکست‌خورده‌ای است که توانایی اقناع هواداران خود را نیز ندارند. مؤلف کتاب، در پایان آخرین فصل کتاب، خطاب به دموکرات‌ها می‌نویسد:

ما فضای خودمان را ایجاد می‌کنیم و امیدواریم هر دو حزب به هم‌دیگر اجازه زندگی کردن بدهند. ما راضی هستیم که جناح چپ را تنها بگذاریم، ولی جناح چپ ما را رها نمی‌کند. از ما می‌خواهند تابع آن‌ها شویم. کشور و فرزندان ما را طلب می‌کنند (همان: ۳۹۶).

### ۳. خاستگاه اثر؛ مقابله با سوسیالیسم تعدیل‌گرا

هر اثر علمی و سیاسی در جغرافیای زمانی، مکانی، و دانشی که از آن تغذیه فکری می‌کند متولد می‌شود و معنا پیدا می‌کند. کتاب‌های پژوهشی و انتقادی در قالب طرح مسائل مختلف نظری، سیاسی-اجتماعی، و اقتصادی یا در پاسخ و نقد سایر آرای فکری منتشر

می‌شوند. بررسی خاستگاه و زمینه‌های اندیشه‌ای یک اثر علمی را می‌توان در دو سطح تعلقات مرتبط با جغرافیای فکری فراسرزمینی و جغرافیای فکری درون‌سرزمینی بررسی کرد.

در سطح تأثیرپذیری‌های فراسرزمینی، اندیشه سوسیالیسم در آمریکا ریشه در رویکرد راه سوم دارد. پس از فروپاشی نظام سیاسی-اقتصادی کمونیسم و تضعیف رویکردهای سوسیالیستی در اغلب کشورهای جهان، لیبرالیسم و اقتصاد بازارمحور به‌عنوان پیروز نبرد ایدئولوژیک در دورهٔ پساجنگ سرد به‌عنوان رویکرد مسلط در نظم اقتصاد جهانی مطرح شدند (Bayer 2020). معضلات اقتصادی و انسانی رویکرد بازارمحور پس از سرخوشی‌های ناشی از پیروزی ایدئولوژیکی بر کمونیسم صورت مخرب خود را در قالب بحران‌های اقتصادی، اجتماعی، و زیست‌محیطی آشکار ساخت. رویکرد راه سوم که توسط گیدنز در تمدن غرب مطرح شد، برای مقابله با آسیب‌های لگام‌گسیختهٔ سوداگری بازار و مقابله با آسیب‌های اجتماعی و سیاسی آن بود. این درحالی بود که طرف‌داران راه سوم بازگشت به عصر کمونیسم را رد کردند. گیدنز، بر این مبنا، نظریهٔ راه سوم را ارائه و تأکید کرد که به‌دنبال ایجاد نوعی چپ‌گرایی جدید متناسب با تغییرات بزرگ است که در جهان درحال اتفاق افتادن است. راه سوم طرف‌دار تلفیق مفاهیم اقتصاد بازار آزاد و اقتصاد سوسیالیستی بوده است (Cammack 2018: 19). به این معنا که این رویکرد در پی آن است تا بخشی از اقتصاد بازار آزاد را با مفاهیمی هم‌چون تأمین اجتماعی، خدمات آموزشی و بهداشتی، عدالت اقتصادی، برابری فرصت‌ها، و کاهش اختلاف میان طبقهٔ پایین و متوسط جامعه (نه کاهش اختلاف بین طبقهٔ پایین و بالا) ترکیب کند.

رهبران شماری از مهم‌ترین کشورهای اروپایی و آمریکایی از جمله تونی بلر، نخست‌وزیر سابق بریتانیا، رومانو پرودی نخست‌وزیر سابق ایتالیا، بیل کلینتون رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده، گرهارد شرودر صدراعظم سابق آلمان، و خوسه لویس رودریگوئز ساپاته‌رو نخست‌وزیر سابق اسپانیا به‌صراحت اعلام کردند که تئوری راه سوم را پذیرفتند (Morrison 2018: 86). در ایالات متحده آمریکا، طرف‌داران راه سوم بر «محافظه‌کاری مالی» تأکید می‌کنند. به این معنا که بر این باورند افراد بی‌کار هم باید کار کنند و درمقابل به‌میزان کار انجام‌داده پول و غذا دریافت کنند، نه این‌که تنها به‌دلیل بی‌کاربودن از خدمات اجتماعی سوسیالیست‌محور، مانند بیمه‌ها و حقوق بی‌کاری، بهره‌مند شوند (Powell 2018: 37). اجرای عملی نظریهٔ راه سوم در ایالات متحده برای اولین بار در دورهٔ ریاست‌جمهوری بیل



کلیتون آغاز شد که به‌طور رسمی در تریبون‌های خود از نظریه راه سوم سخن می‌گفت. در سال ۲۰۰۴، بسیاری از دموکرات‌های برجسته و کهنه‌کار آمریکایی مؤسسه‌ای را با عنوان «راه سوم» در واشینگتن دی‌سی، پایتخت ایالات متحده، بنا نهادند که به «مرکز استراتژی برای پیشرفت» مشهور شده است.

در نقطه مقابل تفکرات سوسیالیستی در آمریکا تفکرات نومحافظه‌کاری قرار دارد که ریشه در اندیشه‌های محافظه‌کاری در اروپا و آمریکا دارد. در سمت دیگر، محافظه‌کاران اروپایی مانند ادmond برک حامیان وضع موجود و مخالف تفکرات انقلابی بودند. در دوره معاصر در انگلستان، محافظه‌کاری تاجری در حوزه اقتصاد یکی از جریان‌های فکری محافظه‌کاری در اروپا بوده است. در سطح جغرافیای فکری درون‌سرزمینی متفکران نومحافظه‌کار آمریکایی در برابر چپ‌گرایان سوسیالیست در دو سطح سیاست داخلی و سیاست خارجی به مقابله فکری و نظری در برابر یک‌دیگر پرداخته‌اند. دسوزا، با قرار گرفتن در دسته اندیشمندان نومحافظه‌کار، هم‌ردیف متفکرانی مانند فوکویاما، ویلیام کریستول، ریچارد پایپ، و دونالد کاگان قرار می‌گیرد. در طرف مقابل، متفکرانی مانند چامسکی، کری رابین، نویسنده کتاب *ذهن/رتجایی*، و دولت‌مرد سیاسی، برنی سندرز، در دسته متفکران چپ ترقی‌خواه قرار می‌گیرند. هر دو طیف سیاسی در حوزه مسائل داخلی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، و سیاست خارجی آمریکا از تفکرات واگرا و متمایز از یک‌دیگر برخوردارند. در ادامه این بخش، ضمن طرح انتقادات محافظه‌کارانه دسوزا علیه چپ‌گرایی‌های برخی دموکرات‌ها، به نقد و بررسی محتوایی محورهای مهم کتاب خواهیم پرداخت.

#### ۴. نقد شکلی

کتاب *آمریکا تحت لوای سوسیالیسم*، نوشته دینش دسوزا، در ۴۱۶ صفحه در سال ۱۳۹۹ به بازار کتاب روانه شد. کتاب در شش فصل و هر فصل به‌صورت چند زیربخش سازمان‌دهی شده است. توزیع کمی صفحات کتاب در هر فصل به‌صورت متوازن انجام شده است، اما شماره‌گذاری بخش‌ها به‌درستی صورت نگرفته است و به‌صورت متوالی بدون علامت‌گذاری‌ها و الفبایی نوشته شده است. نقطه‌ضعف دیگر سازمان‌دهی کتاب این است که، با توجه به موضوع محدود مورد بحث کتاب، حجم بالای صفحات سبب اطلاع‌گویی و توضیح مکرر برخی محورهای کتاب شده است. در بخش صحافی و کیفیت چاپ، اثر حاضر ضعف‌های مهم و جدی دارد. حجم بالای صفحات کتاب در قالب صحافی

کم‌کیفیت چاپ شده است و شیرازه کتاب بر اثر کثرت مطالعه در بلندمدت آسیب‌پذیر است. غلط‌های چاپی کتاب پایین است و به محتوای کتاب آسیبی وارد نکرده است. صفحه‌آرایی و حروف‌نگاری متن ساده است و از پیچیدگی و جذابیت‌های کتاب‌های نشریه‌های برتر بی‌بهره است. اصول ویرایش و رعایت علائم سجاوندی در ترجمه کتاب رعایت شده است.

ترجمه کتاب دقیق و روان است. مترجم توانسته است ضرب‌آهنگ نوشتار مؤلف را تا انتهای صفحات پایانی فصل ششم حفظ کند. هم‌چنین، ترجمه انگلیسی برخی کلمات کلیدی در پانوشت ذکر شده است. از دیگر ویژگی مثبت کتاب توضیح فارسی برخی اصطلاحات مهم در پانوشت است. در صفحات فصل پنجم کتاب، که از اصطلاحات خاص بیش‌تر استفاده شده است، بهره‌گیری از پانوشت به شکل برجسته‌تری مورد توجه قرار گرفته است (دسوزا ۱۳۹۹: ۲۷۸). نویسنده کتاب، به دلیل داشتن نگاه‌های ژورنالیستی، از وقایع و حوادث بسیاری به منظور مستدل‌ساختن ادعاهای خود بهره برده است، اما منابع مورد استفاده در کتاب ذکر نشده است و از این نظر خلأ اعتباری جدی‌ای گریبان کتاب را گرفته است.

نقل قول‌ها و جمع‌بندی‌های سیاسی دسوزا، به دلیل ارجاع‌ندادن به منابع معتبر، خالی از اعتبار علمی لازم است. عدم بهره‌گیری از مطالعات کمی و جداول آماری از دیگر نقاط ضعف کتاب محسوب می‌شود. دسوزا، با ادعای تأثیرگذاری بیش‌تر کارآفرینان اقتصادی از سیاست‌مداران ترقی‌خواه، بدون بهره‌گیری از مطالعات کمی و کیفی سایر محققان، تنها به تکرار ادعاهای خود پرداخته است. وی در جمع‌بندی بخش ماشین‌های غیرضروری این‌گونه ادعا می‌کند: «فورد فرهنگ اتومبیل‌سواری را وارد آمریکا کرد که جامعه را دگرگون کند. نسل اول کارآفرینان تأثیر بسیار بیش‌تری از نسل اولیه سوسیالیست‌های ترقی‌خواه داشت. به‌علاوه این‌که ماشین نیروی دموکراتیزه‌کردن جامعه در تاریخ بشر شد» (همان: ۱۳۲).

بهره‌نبردن از عکس‌ها و تصاویر روی داده‌های اجتماعی و سیاسی از دیگر نقاط ضعف کتاب محسوب می‌شود، درحالی‌که آن‌چه می‌تواند به کتاب‌های سیاسی و اجتماعی محتوای عینی‌تر و جذاب‌تر ببخشد، تصاویر رهبران و توده‌های مردمی به‌منظور اثرگذاری بیش‌تر بر خوانندگان است، اما کتاب مدنظر خوانندگان را از این امتیاز تصویری در امر یادگیری محروم کرده است. طرح روی جلد کتاب بیان‌گر نقدهای نویسنده اثر به سوسیالیسم نیست و بیش‌تر به طرف‌داری از سوسیالیسم طراحی شده است. رنگ عنوان کتاب با رنگ

نوشته‌های داخل تصویر تداخل دارد و از این نظر ضعف محسوب می‌شود. رنگ‌بندی قرمز و سفید روی جلد و پشت جلد یک‌نواخت و کسالت‌آور است و جذابیت بصری برای خوانندگان ندارد. مهم‌ترین امتیاز طراحی جلد کتاب را می‌توان در توضیحات پشت جلد کتاب ذکر کرد که از بخشی از مقدمه نویسنده کتاب اقتباس شده است.

## ۵. نقد محتوایی

در بخش نقد محتوایی، در ابتدا به سه شاخص انسجام منطقی فصول، نوآوری، و رعایت آداب نقد خواهیم پرداخت و در ادامه، به بررسی محورهای نقد محتوایی کتاب با استفاده از رویکرد انتقادی ساختارگرایانه اهتمام خواهیم ورزید. ترتیب و انسجام فصول شش‌گانه کتاب، به دلیل نداشتن چهارچوب نظری منسجم و دقیق، به آشفتگی و درهم‌ریختگی بسیاری دچار است. در فصل اول و دوم، دسوزا نقدهای اقتصادی خود را به رویکرد سوسیالیست‌های دموکرات وارد می‌سازد و در فصل‌های سوم و چهارم، با طرح نقدهای فرهنگی به سوسیالیسم، حلقه محاصره انتقادی خود را کامل‌تر می‌کند، اما در فصل پنجم دوباره مسائل اقتصادی را پیش می‌کشد. در تمامی فصول، نقدهای اقتصادی و هویتی انسجام ندارند و به صورت پراکنده و به‌فراخور حافظه تاریخی نویسنده دچار نوسان شده است. یکی از مهم‌ترین دلایل آشفتگی فصول و بندها قلم ژورنالیستی و به‌شدت سیاسی نویسنده کتاب است که از قالب‌های رایج متون دانشگاهی فاصله گرفته و به گفت‌وگوی محاوره‌ای سیاسی نزدیک شده است.

نوآوری کتاب در بعد نظری دستاوردهای ناچیزی دارد و دسوزا غالباً از نظریه‌پردازان اقتصاد نوکلاسیک و نهادگرایان لیبرال برای نقد آرای اقتصادی سوسیالیست‌ها بهره برده است. انطباق برده‌داری و سوسیالیسم از قیاس‌هایی است که نویسنده کتاب از هایک و ام گرفته است (دسوزا ۱۳۹۹: ۱۵). در زمینه ارائه اطلاعات و مثال‌های تاریخی، کتاب سرشار از وقایع سیاسی و اجتماعی متنوع از جامعه آمریکا است، اما به دلیل تفسیرهای یک‌جانبه و ارائه نکردن منابع معتبر علمی اعتبار کمی دارند. در شاخص رعایت آداب و اخلاق نقد، به دلیل گرایش تند محافظه‌کارانه و طرف‌داری رادیکال از ترامپ و جمهوری خواهان، دسوزا نتوانسته است جانب انصاف و بی‌طرفی را رعایت کند. در ابتدای کتاب، نویسنده درباره محتوا و ماهیت سوسیالیسم می‌نویسد: «سوسیالیسم حقیقتاً ایدئولوژی دزدان و ستم‌گران است. مردمی که گرفتار هوس شده‌اند به‌عنوان احمق فرض می‌شوند، چون آن طرف به‌نفع

آن‌ها طراحی نشده بود. این کتاب برای این نوشته نشده است که ستم‌گران و دزدان را ترغیب کند» (همان: ۲۶).

### ۱,۵ ساختار بحران‌ساز در برابر ساختار فرصت‌ساز

نقدهای ساختاری به سرمایه‌داری بازارمحور از دوره مارکس به بعد به اشکال مختلف مطرح شده است. بحران‌های ذاتی نظام سرمایه‌داری در دهه‌های ۱۹۳۰، ۱۹۹۰، و ۲۰۰۸ به صورت بی‌پرده خود را نشان داده است. با فروپاشی نظام کمونیستی، منتقدان سرمایه‌داری به دنبال تعدیل ساختارها و سازوکارهای توزیع ثروت بوده‌اند. در سمت دیگر، موافقان محافظه‌کار وضع موجود در آمریکا، ضمن پذیرش نقص‌های نظام مذکور، به دلیل ویژگی‌های ذاتی و مثبت بازار، به دفاع از این نظام پرداخته‌اند. دسوزا، با نقد تفکرات سوسیالیستی تعدیل‌گرای وضع موجود و با ذکر منافع اجتماعی حاصل از نظام بازار، در رد نگاه‌های سوسیالیستی قلم‌فرسایی بسیار کرده است. مؤلف کتاب ساختارهای فرصت‌ساز موجود را به این شکل توصیف می‌کند: «بازار آزاد توان خلق فرصت‌های جدید برای شکوفایی را خواهد داشت. ما با این کار از باتلاق کار معمولی اوج می‌گیریم تا خلاقیت‌ها به جنبش درآمده و اشکال جدید کار را مژده دهد» (دسوزا ۱۳۹۹: ۵۶).

تاریخچه نظام بازار در آمریکا و شاخص‌های اقتصادی در سطح کلان نشان داده است که ادعای نقصان حداقلی سازوکار بازار در تأمین عدالت اقتصادی و برابری‌های رفاهی ضعف‌های جدی دارد و این سازوکار به بحران‌های مزمن و متراکم بسیاری گرفتار است. متفکران محافظه‌کار با نادیده گرفتن شکاف‌های طبقاتی موجود در جامعه آمریکا از بعد بحران‌ساز نظام سرمایه‌داری آمریکا غفلت کرده‌اند. نقشه توزیع فقر در آمریکا نشان می‌دهد که طبقات مختلف از سازوکار بازار به صورت مساوی سود نبرده‌اند. به طور کلی، در آمریکا ۳۵۳ کانتی از فقر دائمی در رنج به سر می‌برند (یازده درصد از کل کانتی‌های کشور). اغلب این ۳۵۳ کانتی، یعنی ۳۰۱ کانتی، در مناطق غیرکلان‌شهری با فقر پایدار دست‌وپنجه نرم می‌کنند. این رقم پانزده درصد از کل کانتی‌های غیرکلان‌شهری را تشکیل می‌دهد. تقریباً ۸۴ درصد از کانتی‌های با فقر پایدار در جنوب آمریکا قرار دارند. آمریکایی‌های سیاه‌پوست که در مناطق غیرکلان‌شهری زندگی می‌کنند از بالاترین نرخ فقر در رنج هستند (۳۲ درصد)، در حالی که آمریکایی‌های بومی با ۳۱ درصد رتبه دوم و لاتین‌تبارها با ۲۴ درصد در رتبه سوم قرار دارند. ۱۴ درصد سفیدان نیز در مناطق غیرکلان‌شهری از مسئله فقر پایدار رنج می‌برند (Goldstein 2021).

## ۲,۵ شعبده کلامی در برابر بحران‌های واقعی

یکی از مهم‌ترین نقدها به مباحث کتاب *آمریکا تحت لوای سوسیالیسم* استفاده از لفاظی‌های سیاسی سطحی به منظور پرده‌پوشی از مسائل بحرانی شده در جامعه آمریکاست. در حالی که نابرابری و شکاف‌های اقتصادی در جامعه آمریکا به سمت قطبی شدن جامعه و طرح خواسته‌های اقتصادی و رفاهی به مهم‌ترین دلایل شرکت در انتخابات تبدیل شده است، دسوزا در برابر بحران‌های موجود به حملات سیاسی و لفاظی‌های ژورنالیستی در برابر حامیان سیاست‌های سوسیالیستی پرداخته است. به عنوان مثال، در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ در آمریکا، مسئله اقتصاد با ۷۹ درصد در اولویت مسائل مورد نظر طرف‌داران هر دو نامزد قرار گرفت و، به تعبیری، دغدغه اول شهروندان آمریکایی محسوب شد. ۸۸ درصد طرف‌داران ترامپ و ۷۲ درصد طرف‌داران بایدن اقتصاد را اولویت اول خود انتخاب کرده بودند. مسئله بهداشت و درمان با کسب ۶۸ درصد آرا در اولویت دوم شهروندان آمریکایی قرار داشت که این رقم برای طرف‌داران بایدن ۸۴ درصد و برای طرف‌داران ترامپ به ۴۸ درصد رسیده بود (Jackson 2020: 22).

در حالی که براساس نظرسنجی‌ها و شاخص‌های اقتصادی نهادهای داخلی آمریکا، اقتصاد در اغلب ادوار تاریخی به دلیل ضعف سیستم بازار به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های ملی جامعه آمریکا تبدیل شده است، دسوزا با خوش‌بینی افراطی به بازار می‌نویسد:

ما خوش‌بخت هستیم که در دوران انقلاب کارآفرینی زندگی می‌کنیم. اگر این‌طور نبود، هنوز با نقشه‌های قدیمی رانندگی می‌کردیم و با تلفن‌های دیواری چرخنده قدیمی مکالمات گران‌قیمت انجام می‌دادیم و... البته این انقلاب پایدار خواهد بود و نابرابری از بین خواهد رفت. ما برای این امر سیاستی لازم نداریم؛ خودبه‌خود اتفاق می‌افتد (دسوزا ۱۳۹۹: ۳۲۱).

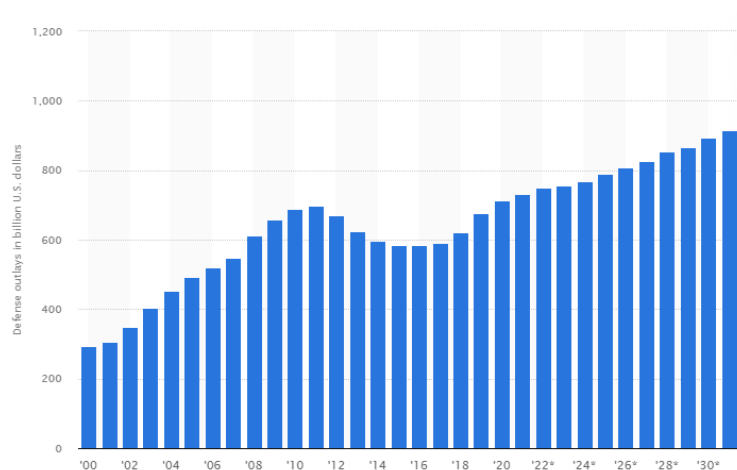
## ۳,۵ شعارهای سیاسی - اجتماعی متمایز و رفتارهای بازاری متشابه

دوگانه سیاست‌های بازاری و سوسیالیستی مدنظر دسوزا در واقعیت‌های میدانی جامعه آمریکا به شکل کم‌رنگی حضور دارند و آنچه موتور محرک تحولات سیاسی در این کشور محسوب می‌شود، تصمیمات سرمایه‌داران و حمایت رؤسای جمهوری از نظام سرمایه‌داری فعلی در آمریکاست. در اواخر نوامبر، مؤسسه بروکینگز در تحقیقی نشان داد که کانتی‌های مسبب پیروزی بایدن در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ آمریکا ۷۰ درصد تولید ناخالص

داخلی آمریکا را در اختیار دارند. در مقابل، کانتی‌های حامی ترامپ تنها ۲۹ درصد اقتصاد آمریکا را از آن خود کردند. در همین بستر شکاف اقتصادی بود که بایدن در مناطق روستایی کم‌تر از ۳۰ درصد آرا را به دست آورد، در حالی که در شهرهای بالای پنج هزار نفر، در هر مایل مربع، نزدیک به ۷۰ درصد آرا را از آن خود کرد (Jain 2020: 39).

یاشا مونک، در کتابی تحت عنوان مردم علیه دموکراسی که در ۲۴ آوریل ۲۰۱۸ منتشر شد، علت اقتصادی شدن انتخابات در آمریکا را در روندهای مبتنی بر «حقوق بدون دموکراسی» در غرب جست‌وجو کرد. به باور او، در لیبرال-دموکراسی‌ها مردم طبق قانون از حقوقی برخوردارند، ولی پولی شدن سیاست مانع از انعکاس خواسته‌های آن‌ها در دالان قدرت می‌شود و این احساس پدید می‌آید که نخبگان مردم را فراموش کرده‌اند (Mounk 2019: 201). لذا، دموکرات‌ها و جمهوری خواهان در عمل به یک اندازه به نظام بازار موجود در آمریکا وابستگی ساختاری دارند و در حد شعار از رقیب خود فاصله می‌گیرند.

در کنار رفتارهای بازاری نام‌زدها و سیاست‌مداران آمریکایی، چگونگی تشابه رفتاری با نهادهای اقتصادی و اجتماعی محور دیگری است که مدعای وجود تفاوت‌های نخبگان سوسیالیست با جمهوری خواه را کم‌رنگ می‌کند. در حوزه تخصیص بودجه دفاعی رؤسای جمهور دموکرات و جمهوری خواه و حامیان آن‌ها در مجلس نمایندگان و سنا رویکرد یکسانی داشته‌اند. در نمودار ۱، روند رشد بودجه نظامی آمریکا در چند دهه اخیر را مشاهده می‌کنید.



نمودار ۱. روند تصاعدی افزایش هزینه‌های نظامی آمریکا در دوره‌های مختلف ریاست جمهوری

نداشتن برنامه‌های سوسیالیستی در احزاب مدعی برابری سبب شده است تا این احزاب از همتایان انگلیسی خود بسیار عقب باشند و هویت مستحکمی نداشته باشند. لذا، وجود جریانات سوسیالیستی در برخی دموکرات‌ها امری ناچیز و کم‌رنگ است. در انگلستان سستی قوی از سوسیالیسم وجود دارد که تاریخ این کشور را پر از اعتراض‌های صنفی و کارگری، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، کرده است. در سمت دیگر اقیانوس، اساساً در آمریکا حزب کارگر و حامیان طبقات پایین جامعه وجود ندارد و لذا جایگاهی را که جرمی کوربین (Jeremy Corbyn) در انگلستان دارد نمی‌توان برای سندرز متصور شد.

### ۴,۵ طرح استدلال‌های ساده در برابر هجوم مسائل پیچیده

قلم سیاسی دسوزا در برخورد با بحران‌های عمیق اجتماعی و اقتصادی جامعه آمریکا توانمندی محتوایی لازم را، به‌منظور تبیین و قضاوت چالش‌های موجود، ندارد. دسوزا در سطح نقد سیاست‌های هویتی سوسیالیستی، که در شکاف‌های نژادی و اجتماعی ریشه دارد، ضمن عدم ارائه راه‌حل‌های کارآمد، شعارهای برابری خواهانه نخبگان ترقی‌خواه را به‌سخره می‌گیرد و آن‌ها را مانع هم‌گرایی بیش‌تر در جامعه آمریکا می‌داند. به‌عنوان مثال، در فصل ششم، ادعاهای سوسیالیست‌های دموکرات در حوزه افزایش نابرابری‌های اجتماعی به توطئه‌ای سیاسی فرو کاسته می‌شود.

در دوره همه‌گیری بیماری کرونا در آمریکا، این بحران با توجه به شکاف‌های نژادی و اجتماعی در جامعه چندتکه این کشور آثار سوء نامتقارنی را برجای گذاشت. سناتور ایالت ورمونت آمریکا در پیامی در توئیتر نوشت:

ما امروز سیستمی داریم که میلیون‌ها نفر شغل خود را از دست داده و در تلاش برای فراهم کردن غذا هستند و توانایی پرداخت هزینه‌های آموزشی و درمانی را ندارند (این درحالی است که) میلیاردرها در دوران همه‌گیری (ویروس کرونا) ۵۶۵ میلیارد دلار ثروت‌مندتر شدند. این سیستمی است که ما نمی‌توانیم بپذیریم.

در آمار منتشرشده دیگر نشان داده شده است که اقلیت‌های قومی، نژادی، و رنگین‌پوستان در آمریکا بیش از سفیدپوستان درگیر ویروس کرونا شده‌اند. بررسی‌ها نشان داد که احتمال جان‌باختن سیاه‌پوستان آمریکایی ۳۵ تا ۴۴ ساله در آمریکا ده برابر سفیدپوستان هم‌سن و سال خود است (Rogers 2020).

نویسنده کتاب، بدون اشاره به خشونت‌های ساختاری در آمریکا، تنها با وصف کلیشه‌ای دولت حداقلی و افزایش آزادی‌های اقتصادی در قالب مثال‌های سطحی بدون پشتوانه آماری به مصاف شکاف‌های متقاطع جامعه آمریکا می‌رود. دربارهٔ وعدهٔ سوسیالیست‌ها در متوازن‌سازی توزیع خدمات اجتماعی و رفاهی، مؤلف کتاب می‌نویسد:

سوسیالیست‌ها قول خدمات اجتماعی مجانی و پرداخت هزینهٔ آن توسط اشخاص دیگر را می‌دهند. بنابراین، مسئولیت‌ناپذیری و وابستگی به جناح چپ برای منفعت سیاسی را پرورش می‌دهند. شعار جناح چپ آمریکا از سوسیالیست‌های فابین گرفته شده هر دولتی که از پتر بدزدد و به پل بدهد همیشه می‌تواند روی حمایت پل حساب کند (دسوزا ۱۳۹۹: ۲۵۹).

در جریان اعتراضات اجتماعی سال ۲۰۲۰ در آمریکا، تصاویر ویدیویی به‌آتش‌کشیدن پرچم آمریکا در مقابل کاخ سفید در حالی نشان داده شد که معترضان شعار می‌دادند: «یک، دو، سه، چهار، برده‌داری، نسل‌کشی، و جنگ. پنج، شش، هفت، هشت، آمریکا هرگز بزرگ نبوده است». نظرسنجی منتشرشده توسط روزنامهٔ واشنگتن پست نشان داده است از هر سه آمریکایی دو نفر (۶۹ درصد) اعلام کرده‌اند که قتل جورج فلوید نشان‌دهندهٔ مشکلات وسیع در نهادهای اجرای قانون آمریکاست (Altman 2020). در سطح مقامات حاکمیتی، جورج دبلیو. بوش، رئیس‌جمهور اسبق جمهوری خواه ایالات متحده، با انتشار بیانیه‌ای خواستار بررسی دلایل ناکامی آمریکا در توقف «آزار، اذیت، و تهدید» بسیاری از آفریقایی‌تبارهای ساکن این کشور شد. وی خواستار پایان‌دادن به «نژادپرستی سیستماتیک» در جامعهٔ آمریکا شد (Breuninger 2020). دسوزا، بدون اشاره به حوادث مذکور، صرفاً با دفاع سیاسی از ترامپ و جمهوری خواهان در برابر انتقادات دموکرات‌ها می‌پردازد و به بیان دلایل کلیشه‌ای در جهت حمایت از نظام بازار اکتفا می‌کند.

## ۶. نقد روشی

روش دینیش دسوزا برای استدلال‌های ایجابی و سلبی در کتاب آمریکا تحت لوای سوسیالیسم قیاسی (deduction) است. بدین گونه که یک محقق با استفاده از گزاره‌هایی اولیهٔ برگرفته از نظریه‌های دارای پشتوانه (evidence)‌های قوی‌تر تجربی و هم‌چنین گزاره‌هایی دربارهٔ شرایط خاص تحقیق خود طی فرایندی استدلالی (argumentation) اقدام



به تدوین قضایا (theorem) یا گزاره‌هایی قابل آزمون (propositions) می‌کند. البته، شروط دیگری هم معمولاً ذکر می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها سازگاری نظری گزاره‌های اولیه باهم (به این معنا که گزاره‌ها متناقضی نباشند) و از همه مهم‌تر قابل آزمون بودن (testable) یا، به عبارت دیگر، بطلان پذیر بودن (falsifiable) قضایای نظری نهایی است. از این رو، روایی (validity) این گونه تحقیقات در نهایت تابع این است که تا چه حد این قضایا از آزمون تحقیقات تجربی و با آمار احتمالی سربلند بیرون بیایند (Bradford 2017).

دسوزا، با استفاده از نظریه اقتصادی هایک مبنی بر آزادی اقتصادی به مثابه راهی برای آزادی اجتماعی و نظریه توتالیستاریسم جورج اورول، به مقابله با سوسیالیست‌های دموکرات می‌رود. دو نقد جدی به دسوزا در کاربست روش قیاسی در کتاب وجود دارد که عبارت‌اند از: بی‌ارتباط بودن ایده‌های هایک و اورول با ایده‌های سوسیالیست‌های دموکرات و دیگری بهره‌گیری ناقص و گزینشی از نقل قول‌های ترقی خواهان به منظور نقد سیاسی آن‌ها در تأیید وضعیت موجود.

نقد‌های هایک بر سوسیالیسم مبتنی بر انتقاد از دولت حداکثری با بازار به شدت تحت کنترل است. اورول در کتاب ۱۹۸۴، با مطرح کردن دولت پلیسی خشن که با روش‌های کنترل حداکثری به سرکوب و رصد توده‌های مردمی و نخبگان اقدام می‌کند، فضایی تاریک از آثار حکومت توتالیتار بر جامعه را تصویر می‌کند. بهره‌برداری دسوزا از این دو متفکر منتقد به این صورت است:

رابطه سوسیالیسم و برده‌داری را در تمام آثار مربوط به سوسیالیسم می‌بینیم. نقد فردریک هایک از سوسیالیسم به درستی عنوان "جاده‌ای به سوی بردگی" گرفت. جورج اورول میزان خشونت سوسیالیست‌ها را در دو رمان جاودانه‌اش، یعنی *مزرعه حیوانات* و ۱۹۸۴، به تصویر کشیده است (دسوزا ۱۳۹۹: ۱۵).

سوسیالیست‌های آمریکایی مانند برنی سندرز، که در ساختار سیاسی این کشور حضور دارند، در جست‌وجوی دولت حداکثری توتالیتار نیستند، بلکه به دنبال سوسیالیسم تعدیل‌گرایی هستند که بتواند با کاهش نابرابری‌های موجود سطح شکاف‌های اقتصادی و به تبع آن اجتماعی را در جامعه آمریکا کاهش دهند تا به کاهش سرخوردگی طبقات پایین جامعه بینجامد. لذا، استفاده از روش قیاسی جهت تطبیق گزاره‌های نظریه‌های هایک و اورول با مطالبات سوسیالیست‌های آمریکایی و نقد آن‌ها به نظام سرمایه‌داری افسارگسیخته

نوعی شعارگرایی سیاسی محسوب می‌شود. لذا، روایی و اثبات‌پذیری روش قیاسی در کتاب حاضر با تردیدهای جدی روبه‌روست.

گزینش‌گرایی سیاسی برای اثبات مدعای نویسنده کتاب یکی دیگر از نقدهای روشی به دسوزا محسوب می‌شود. بهره‌برداری هدف‌مند مبتنی بر اغراض سیاسی از دیدگاه‌های رقبا با استفاده از روش قیاسی در فصل‌های مختلف کتاب وجود دارد. به‌عنوان مثال، دسوزا با استفاده از مفهوم «دولت پنهان تحت اختیار دموکرات‌ها» وضعیت نابرابری‌های نژادی و شکاف‌های مهاجران لاتین‌تبار با جامعه آمریکا را فرصتی برای تقویت دشمنی‌های سوسیالیست‌ها با دونالد ترامپ می‌داند و از مطالعه استقرایی و موردی واقعیت‌ها پفره می‌رود. دسوزا در فصل سوم می‌نویسد: «انگیزه جناح چپ در این باره چیست؟ انگیزه کوتاه‌مدت آن ساده است. استفاده از مهاجران غیرقانونی برای معرفی ترامپ و جمهوری‌خواهان به‌عنوان نژادپرست، ضد‌مکزیکی، و ضدپناهندگی» (همان: ۲۰۰).

## ۷. نقد با رویکرد اسلامی

تلاش سوسیالیست‌های آمریکایی در نقد جدی به نظام سرمایه‌داری مبتنی بر تشدید حرص و طمع مصرف‌کنندگان به تقویت کرامت و ارزش‌های معنوی در جامعه منجر نشده است، بلکه آن‌ها به‌دنبال انتقال منابع و رفاه اقتصادی به‌همراه مصرف بیش‌تر برای طبقات پایین جامعه‌اند. سوسیالیست‌ها، بدون اشاره به ذات ناکارآمد و تبعیض‌آمیز سرمایه‌داری آمریکایی، به‌دنبال تشدید رفاه‌زدگی در طبقات رنگین‌پوست و سایر طبقات حاشیه‌ای‌اند. در بُعد مقابله با خشونت‌های اجتماعی سازمان‌یافته، سوسیالیست‌ها بدون ذکر سازوکارهای درون‌نهادی و تفکیک اجتماعی قدرت در جامعه آمریکا تنها به سخن‌پردازی بدون ارائه راه‌کارهای کارآمد بلندمدت اکتفا می‌کنند.

در رویکرد اسلامی به مسائل اقتصادی نظریه‌های مختلفی برای مهار انگیزش‌های سوداگرایانه انسانی و تشویق به رفاه عاقلانه و نه غافلانه مطرح شده است. جهت‌گیری‌های مادی و اقتصادی یکی از مهم‌ترین نقدهای رویکرد اسلامی به اقتصاد سرمایه‌داری است؛ اقتصادی که با افزایش قوای شهوانی، طمع انسانی، و تشویق آن به افزایش مصرف و تفاله‌کردن بیش‌تر طبیعت می‌انجامد. در نظریات مطلوبیت‌گرایانه انتخاب عقلایی در اسلام به مفهوم پیشینه‌سازی مطلوبیت یا لذت گسترده شامل لذت دنیا و آخرت و لذت‌های مادی و معنوی پرداخته شده است. بر این اساس، انتخاب عقلایی معادل پیشینه‌کردن سرجمع

لذت‌های دنیایی و آخرتی یا بیشینه‌سازی لذت مادی و معنوی در دنیا و آخرت است (میرمعزی ۱۳۸۴: ۶۷).

تمایز این رویکرد از نگرش به اقتصاد متعارف در گسترش مفهوم مطلوبیت و لذت است که، علاوه بر لذت‌های مادی (ثروت)، شامل لذت‌های معنوی (اعتلای روح و کمال نفس) و اخروی (نعمت‌های بهشتی) است. هم‌چنین، لذت‌های معنوی و اخروی به‌واسطه بادوام‌تر، شدیدتر، و خالص‌تر بودن بر لذت‌های مادی دنیوی ترجیح داده می‌شوند (توکلی ۱۴۰۰: ۱۹۴). سرمنشأ نقد اقتصادی به محافظه‌کاران بازارمحور در تشدید حرص مشتریان کالاها، مصرفی و نگاه تک‌بعدی مادی به انسان به‌مثابه حیوانی لذت‌جو و مصرف‌گرا خلاصه می‌شود. دسوزا مزیت نظام سرمایه‌داری به سوسیالیسم را در گسترش رفاه اقتصادی و افزایش بهره‌وری‌های مادی مشتریان شهری و روستایی می‌داند؛ امری که ضمن تقلیل ترازوی خواست‌های انسانی به حیات مادی به گسترش فاصله‌های طبقاتی و بیماری‌های روحی و روانی در جامعه آمریکا منتهی شده است.

## ۸. پیش‌نهادهای پژوهشی

نظریه‌پردازی بومی - اسلامی در حوزه‌های مختلف مطالعات انسانی، از جمله تولید نظریه‌های بومی و اسلامی اقتصادی، در دو دهه اخیر در قالب هدف‌گذاری‌های کلان نظام آموزشی و پژوهشی مطرح شده است. با شکل‌گیری مطالعات اقتصاد اسلامی، بستر نظریه‌پردازی بومی هموار شده است. نقد متون غربی حامی نظام سرمایه‌داری نقطه شروع سلبی تقویت نظریه‌پردازی‌های اقتصاد اسلامی است. تولید متون بومی در زمینه اقتصاد اسلامی بعد ایجابی جریان نظریه‌پرداز داخلی خواهد بود که مکمل حرکت سلبی ابتدایی است. نقد کتاب *آمریکا تحت لوای سوسیالیسم* به تولید متون انتقادی به‌منظور بهره‌گیری از نقاط ضعف اقتصاد سرمایه‌داری کمک می‌کند. در ادامه، نگاه بارورساز به منابع اقتصاد بومی و اسلامی برای طرح نظریه‌های بومی عملی و کارآمد اقتصادی حلقه مکمل فرایند پژوهش و یادگیری مذکور خواهد بود.

## ۹. نتیجه‌گیری

کتاب *آمریکا تحت لوای سوسیالیسم*، به قلم دنیس دسوزا، از منابع سیاسی مطرح است که توسط یکی از طرف‌داران حزب جمهوریخواهان آمریکا در جهت نقد دموکرات‌های

سوسیالیست و سیاست‌های اقتصادی توزیعی و اجتماعی برابری خواهانه آن‌ها نوشته شده است. در این اثر، دسوزا با استفاده از نظریه‌های فردریک هایک و جورج اورول و با برابردانستن رویکرد سوسیالیست‌های آمریکایی با دولت حداکثری اقتدارگرا و بردگی توده‌های مردمی به نقد دموکرات‌هایی مانند سندرز پرداخته است. بیان نقل‌قول‌هایی گزینشی از ترقی‌خواهان دموکرات به منظور ارائه تصویری از منطق فکری سوسیالیست‌ها و سپس نقد سیاسی و اقتصادی آن‌ها در قالب بهره‌گیری از روش قیاسی محور استدلال‌های دسوزا را تشکیل می‌دهند.

دسوزا، در کتاب خود، با طرف‌داری از ترامپ و سیاست‌های ضد‌مهاجرت و ناسیونالیسم محافظه‌کار اقتصادی وی به یکی از تأییدکنندگان وضع موجود تبدیل شده است. ارائه نکردن راه‌حل‌های کارآمد و منسجم برای اصلاح نابرابری‌ها و ضعف‌های ساختار حاضر در نظام سرمایه‌داری بازار محور سبب شده است تا جهت‌گیری‌ها و غرض‌ورزی‌های یک‌جانبه وی در تمامی فصول کتاب به شکل بارزی آشکار شود. به‌باور دسوزا، نظام اقتصادی موجود تأمین‌کننده حداکثری آزادی‌های اقتصادی و برابری‌های رفاهی در آینده نزدیک است، اما تبدیل سوسیالیسم آمریکایی به هیولایی ایدئولوژیک توسط دسوزا که یک بار در جریان جنگ سرد شکست خورده بود نتوانسته است نقصان‌های سازوکار توزیعی بازار آزاد در آمریکا را، که همواره مورد انتقاد توده‌های اجتماعی در این کشور است و در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰ در قالب زخم‌های چرکین سر باز کرده است، توجیه کند.

کتاب *آمریکا تحت لوای سوسیالیسم* بیانیه‌ای سیاسی است که توسط یکی از کشیش‌های سیاسی معبد نومحافظه‌کاری جمهوری خواه نوشته شده است. این کتاب در حمایت از نومحافظه‌کاری اقتصادی و اجتماعی، که روح قالب بر ساختار حاکمیت سیاسی آمریکاست، نگاشته شده است. ضعف در طراحی چهارچوب نظری و قلم تنک‌مایه نویسنده سبب شده است تا این اثر تنها برای آشنایی با ادعاهای محافظه‌کاران راست‌گرا در آمریکا و فضای رسانه‌ای تابع آن‌ها خواندنی تلقی شود. فقدان نگاه به مسائل سیاست خارجی، که محل اختلاف طیف‌های کبوترها و بازها در آمریکاست و در نگاه‌های ترقی‌خواهانه و محافظه‌کارانه ریشه دارد، از دیگران نقاط ضعف کتاب حاضر است.

## کتابنامه

توکلی، محمدجواد (۱۴۰۰)، «چشم‌اندازهای نظریه عقلا نیت محدود در اقتصاد اسلامی»،  
دوفصل‌نامه علمی مطالعات اقتصاد اسلامی، س ۱۱، ش ۱، پیاپی ۲۶.  
دسوزا، دنیس (۱۳۹۹)، آمریکا تحت لوای سوسیالیسم، ترجمه لیلا نوری، تهران: پبله.  
میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۴)، اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه  
اسلامی.

- Altman, Alex (2020), "Why the Killing of George Floyd Sparked an American Uprising", Available at: <<https://time.com/5847967/george-floyd-protests-trump/>>.
- Andrade, Gabriel (2020), "Dinesh D'Souza as a Comprador Intellectual: Punditry, Media and Neocolonialism", *Socialism and Democracy*, vol. 34.
- Bayer, Ben (2020), "The Dishonesty of 'Real Socialism Has Never Been Tried'", Available at: <<https://newideal.aynrand.org/the-dishonesty-of-real-socialism->>.
- Bradford, Alina (2017), "Deductive Reasoning vs. Inductive Reasoning", Available at: <<https://www.livescience.com/21569-deduction-vs-induction.html>>.
- Brueninger, Kevin (2020), "Looting is not Liberation': George W. Bush Calls for Unity, Equal Justice during George Floyd protests", Available at: <<https://www.cnbc.com/2020/06/02/george-w-bush-calls-for-unity-during-george-floyd-protests.html>>.
- Cammack, Paul (2018), *Giddens's Way with Words*, Oxford: Polity Press.
- Democratic Party Platform (2020), Available at: <<https://cdn.factcheck.org/UploadedFiles/2020-Democratic-Party-Platform.pdf>>.
- Goldstein, Amy (2021), "Poverty fell Overall in 2020 as Result of Massive Stimulus Checks and Unemployment Aid, Census Bureau Says", Available at: <<https://www.washingtonpost.com/business/2021/09/14/us-census-poverty-health-insurance-2020/>>.
- Jackson, Daniel (2020), *U.S. Election Analysis 2020: Media, Voters and the Campaign*, Centre for Comparative Politics and Media Research (Bournemouth University).
- Jain, Sannjet (2020), *US Elections 2020*, Observer Research Foundation.
- Morrison, David (2018), *New Labour, Citizenship and the Discourse of the Third Way*, Manchester University Press.
- Mouk, Yascha (2019), *The People vs. Democracy*, Illustrated Edition, Harvard University Press.
- Powell, Martin (2018), *The Route Map of the Third Way*, Cambridge: Polity Press.
- Republican Party Platform (2020), Available at: <<https://cdn.factcheck.org/UploadedFiles/2020-Republican-Party-Platform.pdf>>.

Rogers, Taylor (2020), “American Billionaires have Gotten Half a Trillion rRicher during the Pandemic, but the Country’s Racial Wealth Gap has Grown”, Available at:

<<https://www.businessinsider.com/billionaires-got-565-billion-richer-during-the-coronavirus-pandemic-2020-6>>.

Weston, Kath (2005), *Class Politics and Scavenger Anthropology in Dinesh D’Souza’s Virtue of Prosperity*, University of California Press.